

ایدئولوژی و سیاستهای زبانی

طریق رحمان

ترجمه مصطفی مهرآیین

- Ideology, Politics and Language Policies
- Thomas Ricento (ed.)
- Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins
- 2000.pp193

است. او به منظور فهم نقش جهانی زبان انگلیسی، مفهوم ایدئولوژی را در ارتباط با شش چارچوب نظری مورد بررسی قرار می‌دهد. چارچوبهای مذکور عبارت‌اند از: شکوه استعماری (زبان انگلیسی تمامی امتیازات یک زبان غنی، پیچیده و مدرن را دارد)؛ لیبرالیسم اقتصاد آزاد (افراد می‌توانند زبان انگلیسی را به همراه دیگر زبانها در قلمروهای متفاوت به کار گیرند)؛ بوم‌شناسی زبان (تمامی زبانها باید زنده نگه داشته شده و مورد حفاظت قرار گیرند و گسترش زبان انگلیسی این فرآیند را مورد تهدید قرار داده است)؛ امپریالیسم زبانی (زبان انگلیسی، به دلیل قدرت کشورهای انگلیسی زبان، زبان مسلط است)؛ حقوق زبانی (استفاده از زبان بومی از حقوق افراد است و زبان انگلیسی این حق را مورد تهدید قرار داده است)؛ و کنش پسا استعماری (برای فهم این نکته که چگونه از زبان انگلیسی استفاده می‌شود و چه کسی حق استفاده از این زبان را دارد، باید به مطالعه این زبان در زمینه به کارگیری آن پرداخت). دسته‌بندی پنی کوک نه تنها ما را با پیامدهای سیاسی و ایدئولوژیک گسترش زبان انگلیسی در جهان آشنا می‌سازد، بلکه مفروضات و قضایای نظری متفاوتی را که تحلیلگران در تحلیل خود از گسترش زبان انگلیسی از آنها استفاده کرده‌اند نیز روشن می‌سازد.

به اعتقاد من، مدل کنش پسا استعماری ابزاری قدرتمند برای فهم نقش زبان انگلیسی در بسیاری از مستعمره‌های پیشین اروپا می‌باشد.

بخش عظیمی از کتاب راجع به مستعمره‌های پیشین است. از این رو، نخست به بررسی آنها می‌پردازیم. پنی کوک (درفصل چهارم) به بحث درباره سیاستهای زبانی در هند، مالزی و هنگ کنگ می‌پردازد. او با تأکید بر نظریه خود درباره کنش پسا استعماری به این نکته مهم اشاره می‌کند که نباید نظریه چند فرهنگ‌گرایی را با یک دیدگاه سیاسی چپ‌گرا - لیبرال و یا دیدگاه طرفدار زبان انگلیسی را با نظریه امپریالیسم زبانی یکی دانست. او بر این عقیده است که برای شناخت سیاستهای زبانی باید دو سؤال بنیادی را در مقابل آنها مطرح کرد:

۱- به چه کسی اختیار و قدرت می‌دهند؛

۲- دارای چه پیامدهایی هستند.

مقاله مورد اشاره پنی کوک دارای اهمیت زیادی بوده و باید تأکید بیشتری بر

کتاب حاضر محصول کنفرانسی است که در سال ۱۹۹۷ درباره ایدئولوژی و سیاستهای زبانی - با تأکید خاص بر زبان انگلیسی - برگزار شده است. کتاب دارای نه فصل، مقدمه‌ای عالی به قلم ری سنتو - ویراستار کتاب - و یک کتابشناسی در پایان است. یکی از فصول کتاب که به بحث درباره جنبه‌های نظری برنامه‌ریزی زبانی و سیاست می‌پردازد نیز توسط ری سنتو به نگارش درآمده است. دیگر مقاله‌های کتاب عبارت‌اند از: سیاستهای زبانی در استرالیا (هلن مور)؛ سیاستهای زبانی استعماری (فصول ۳ و ۷، الستر پنی کوک)؛ ایدئولوژیهای زبانی در ایالات متحده (ترنس جی. ویلی)؛ امپریالیسم زبانی: با تأکید بر زبان انگلیسی (رابرت فیلیپ سون)؛ سیاستهای زبانی و نقش زبان انگلیسی در سری لانکا (سورش کاناگوراجا)، هند شمالی (سلماک. سونتاگ) و آفریقای جنوبی (استانلی جی. ام. ریچ).

ری سنتو، برخلاف متفکران پیشین که اغلب تمایزی میان برنامه‌ریزی (planning) و سیاست (policy) قائل نبوده و مفهوم برنامه‌ریزی زبانی (language planning) را در هر دو معنا به کار گرفته‌اند (مانند کوپر ۱۹۸۹)، در مقاله خود دسته‌بندی سودمندی از ادبیات مربوط به سیاست و برنامه‌ریزی زبانی (LPP) پیشنهاد کرده و آنها را ذیل سه عنوان زیر جای می‌دهد:

۱- سیاسی - اجتماعی کلان،

۲- معرفت شناختی و

۳- استراتژیک.

ادبیات دسته نخست به مسائل و پدیده‌هایی چون شکل‌گیری یا فروپاشی دولتها می‌پردازند؛ آثار دسته دوم به پارادایمهای شناخت از قبیل پست مدرنیسم مربوط است و آثار دسته سوم از لزوم تحقیق درباره سیاستهای زبانی سخن می‌گویند و انتقادات وارد بر برخی سیاستهای زبانی معین - از قبیل استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان نخبگان در مستعمره‌های پیشین بریتانیا - را مطرح می‌سازند. دسته‌بندی ری سنتو، هم ما را با عناوین تحقیق درباره برنامه‌ریزی و سیاست زبانی آشنا می‌سازد و هم شرح مختصر و جالبی از شیوه‌ها و الگوهای پژوهش درباره برنامه‌ریزی زبانی ارائه می‌کند.

تقسیم‌بندی سودمند دیگری نیز توسط پنی کوک (فصل هفتم) ارائه شده

آن صورت گیرد. کاناگورا نشان می‌دهد که در سری لانکا - جایی که شوونیستهای تامیل در پی آموزش اجباری زبان تامیلی به افرادی تحت کنترل خود هستند - زبان انگلیسی می‌تواند موجب ایجاد و اشاعه ارزشهای دموکراتیک و کثرت‌گرایانه شود. سونتاک به بیان همین نکته درباره آموزش زبان انگلیسی در هند شمالی می‌پردازد. ریچ نیز به بررسی همین مسئله در آفریقای جنوبی پرداخته و بر آن است که اگر چه زبان انگلیسی در این منطقه دارای «کارکردهای لوکس» است، می‌تواند باعث شکل‌گیری یک ساخت دوگانه پویا شود (ص ۱۷۰).

در کتاب به مستعمره‌های دیگری غیر از آنچه در بالا از آنها سخن گفته شد، اشاره نشده است، اما می‌توان مسائل مطرح شده در بالا را در مورد کشوری چون پاکستان نیز به کار گرفت. من بر این اعتقادم که در وضعیت فعلی کشور پاکستان، آموزش زبان انگلیسی مورد توجه نخبگان غربگرا بوده و با جهت‌گیریهای آنها

تمامی زبانها باید زنده نگه داشته شده و مورد حفاظت قرار گیرند و گسترش زبان انگلیسی این فرآیند را مورد تهدید قرار داده است

زبان انگلیسی باعث ورود ایدئولوژیهای لیبرال و دموکراتیک به پاکستان می‌شود

بنابر تحلیلهای ارائه شده در کتاب، در استرالیا

دو سیاست زبانی قابل تشخیص است:

سیاست زبانی کثرت‌گرا و سیاست زبانی ملی‌گرا

سازیم، اما نخبگان قدرت می‌توانند با استفاده از رسانه‌ها و فرستادن فرزندان خود به خارج از کشور به یادگیری زبان انگلیسی ادامه دهند. آن موقع، کسانی که دارای چنین دانشی نیستند باید در جزیره دورافتاده خاص خود زندگی کرده و در تمامی نقاط جهان از دست یافتن به یک شغل پردرآمد محروم خواهند شد. شاید سیاست عادلانه‌تر این باشد که به فعالیت مدارس آموزش زبان انگلیسی نخبه‌گرا پایان دهیم و بکشیم به صورتی برابر زبان انگلیسی را به تمامی بچه‌ها آموزش دهیم. به هر حال، روشن است که چرا افراد نسبت به زبان انگلیسی واکنش نشان می‌دهند. علاوه بر کار درخشان فیلیپ سون و پنی کوک، ترنس جی. ویلی نشان می‌دهد که در ایالات متحده فرآیندهای اجتماعی، آموزشی و اقتصادی به گونه‌ای عمل می‌کنند که حق انتخاب زبان را از بین برده‌اند و افراد غیر انگلیسی زبان یا آمریکایی می‌سازند و یا اینکه ضعیف و فاقد قدرت باقی خواهند ماند.

بنابر تحلیلهای ارائه شده در کتاب، در استرالیا دو سیاست زبانی قابل تشخیص است: سیاست زبانی کثرت‌گرا و سیاست زبانی ملی‌گرا (با تمرکز بر زبان انگلیسی). سیاست زبانی ملی‌گرا مورد حمایت گروه‌های نخبگی قدرتمند است. هم در تحلیل وضعیت ایالات متحده و هم در تحلیل وضعیت استرالیا، مفهوم «قدرت» را می‌توان به عنوان یک ابزار تحلیلی قوی به کار گرفت.

در کل، کتاب حاضر به ارائه بینشهای نظری و داده‌های تجربی سودمندی می‌پردازد. به هر حال، با اینکه برخی از الگوهای طبقه‌بندی و چارچوبهای نظری طرح شده در کتاب بسیار سودمند است، مدل منسجمی که مفهوم «قدرت» را مرکز توجه خود قرار دهد، می‌تواند ابزار تحلیلی دقیق‌تری را در اختیار ما قرار دهد. در مورد داده‌های تجربی طرح شده در کتاب نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که از قلم افتادن داده‌های مربوط به کشورهای چون پاکستان، نیجریه، کنیا و بنگلادش تا حدودی باعث دلسردی مخاطب می‌شود. وجود چنین اطلاعاتی باعث تغییر نتیجه‌گیریهای اصلی کتاب نمی‌شود، اما نبود آنها باعث می‌شود که خواننده حس کند کتاب تا حدودی ناقص و ناکامل است. کتابشناسی کتاب به روز است و تنها نقد وارد بر آن مربوط به از قلم انداختن کتابهایی است که بحث درباره مستعمره‌هایی چون پاکستان ... می‌پردازند. به طور کلی، کتاب حاضر به فهم ما از رابطه میان زبان و قدرت کمک زیادی می‌کند.

منابع:

- 1- cooper, Robert L. (1989). Language Planning and Social change. Cambridge: Cambridge university Press.
- 2- Rahman, Tariq (1996). Language and Politics in Pakistan . Karachi: Oxford university press.
- 3- (2001), English-teaching institutions in pakistan. Journal of Multilingual and multicultural Development 22.
- 4- Skutnabb-kangas, T. (2000). Linguistic genocide in education-or world wide diversity and human rights Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.

همخوان است. (رحمان، ۱۹۹۶ فصل سیزدهم). با این حال، زبان انگلیسی باعث ورود ایدئولوژیهای لیبرال و دموکراتیک به پاکستان می‌شود که در نبود آنها پاکستان نیز با خطر بنیادگرایی همانند طالبان در افغانستان روبرو خواهد شد.

همان گونه که در مقاله خود با عنوان «نهادهای آموزش زبان انگلیسی در پاکستان» (۲۰۰۱) ذکر کرده‌ام، این موضوع از جمله موضوعاتی است که دیدگاه امپریالیسم زبانی آن را نادیده می‌انگارد. به طور خلاصه، می‌توان چنین ادعا کرد که چارچوبهای تحلیلی ساده انگارانه به دلیل بی‌اعتنایی خود به زمینه سیاسی - اجتماعی جوامع ما را دچار اشتباه می‌سازند. شاید بتوان این پیشنهاد را مطرح کرد که مفهوم «قدرت» از جمله مفاهیم بنیادی است که مسائل مربوط به زبان را باید در ارتباط با آن مورد بررسی قرار داد. همان گونه که فیلیپ سون در فصل ششم نشان می‌دهد، آموزش زبان انگلیسی طبعاً باعث قدرتمند شدن کسانی می‌شود که زبان مادری آنها انگلیسی است، اما باید به این نکته توجه کرد که در برخی زمینه‌های اجتماعی تنها می‌توان با پذیرش و یادگیری زبان انگلیسی به قدرت مزبور پاسخ داد تا با نادیده انگاشتن و عدم یادگیری آن. از این رو، اگرچه سیاست استعماری (و معاصر) آموزش زبان انگلیسی در آسیای جنوبی باعث افزایش قدرت نخبگان خواهد شد، نباید در اعتراض به این مسئله استراتژی «عدم یادگیری» زبان انگلیسی را دنبال کنیم و بر این نکته اصرار ورزیم که هیچ یک از افراد جامعه نباید به یادگیری زبان انگلیسی بپردازند. ممکن است بتوانیم مانع از آموزش زبان انگلیسی در جامعه خود شویم و آن را از حیات اجتماعی خود خارج